

تفسیر قراردادها (بخش دوم)

دکتر توفیق عرفانی^۱

چکیده:

تفسیر قراردادها یکی از مباحث جالب و مهم در حوزه دانش حقوق است که این مقاله سعی کرده است به صورت موثکافانه به موضوع بپردازد در شماره پیشین نخست تعریف عقد و قرارداد و لزوم تفسیر قرارداد مورد بررسی قرار گرفت و پس از آن به جایگاه تفسیر قرارداد، انواع آن پرداخته شد. اکنون ادامه بحث:

بخش نهم: اقسام قرارداد

دادرسی دادگاه در مقام فصل خصومت ناشی از قراردادها ممکن است که با سه حالت

مواجهه شود:

الف) مفاد قرارداد واضح و روشن است. ب) مفاد قرارداد مبهم است. ج) مفاد قرارداد

ساکت یا ناقص است.

الف) مفاد قرارداد واضح و روشن است

در این نوع قراردادها ابهام و تناقض وجود ندارد و مفاد قرارداد و شرایط آن صریح و

روشن است که دادرسی باید به مفاد قرارداد احترام بگذارد، و از متن قرارداد منحرف نشود و

۱. قاضی بازنشسته دیوان عدالت اداری و وکیل پایه یک دادگستری.

یا درصدد تعدیل آن برنیاید و نمی‌تواند به بهانه عدالت و انصاف از مندرجات قرارداد چشم‌پوشی کند.

با این حال قاضی از ترتیب اثر دادن به دلایل خارجی به منظور احراز قصد طرفین قرارداد ممنوع نیست و از نظر اصولی نیز دادگاه را از استنباط و استناد به دلایل خارجی و جستجوی قصد مشترک طرفین ممنوع نمی‌باشد به ویژه که در اکثر قراردادها و حتی نمونه‌های بین‌المللی آن همواره جای تفسیر و تأویل باقی است.^۱

مثلاً در ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی شروط بنایی ولو در متن قرارداد آورده نشود مبین قصد واقعی طرفین است و قاضی مکلف است که به آنها توجه کند.

قاضی باید الفاظ به کار رفته را حمل بر معانی عرفی آن کند. ماده ۲۲۴ قانون مدنی نیز در این باره مقرر می‌دارد: «الفاظ عقود محمول است بر معانی عرفیه» بدیهی است که هرگاه مفاد قرارداد کاملاً واضح و روشن باشد قاضی حق نخواهد داشت که مفاد صریح و روشن قرارداد را نادیده بگیرد و حق عدول از آن را از طریق تفسیر ندارد و باید به اجرای آن همت گمارد. زیرا اگر دادرس مفاد صریح سند قرارداد را نادیده بگیرد حکم او در دیوان عالی کشور نقض خواهد شد.

ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی فرانسه، ماده ۱۱۲۳ قانون آلمان و ماده ۱۸ قانون تعهدات سوئیس نیز رابطه دو طرف را تابع مقصود واقعی طرفین می‌داند.^۲

ب) مفاد قرارداد مبهم می‌باشد

قرارداد مبهم قراردادی است که از ظاهر آن قصد مشترک طرفین یا روح حاکم بر قرارداد به دست نمی‌آید و باید با رفع ابهام از آن به اراده واقعی طرفین دست یافت و عمل

۱. السنهوری، عبدالرزاق، احمد، الوسیط، ج ۱، ص ۲۹۱، ناشر داراحیاء التراث العربی، لبنان، بیروت، بدون تاریخ چاپ، همین مؤلف، *مصادر الحق فی فقه الاسلامی*، ج ۶، ص ۷، همین ناشر بدون تاریخ چاپ.
۲. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۲۴، سال ۱۳۶۸.

واقعی تفسیر قرارداد نیز همین فرض است. چنین ابهاماتی بیشتر در وقف‌نامه‌ها و وصیت‌نامه‌ها مشاهده می‌شود. مثلاً قید «نسلاً بعد نسل» در این گونه اسناد موجب تعبیرات گوناگونی شده است. تا جایی که دیوان عالی کشور در رأی ۳۵۶۱ - ۳۴۲/۱۲/۲۶ و در مقام وحدت رویه رأی داده است که:

«مستفاد از صرف عبارت نسلاً بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصیت ترتب است نه تشریک. و علی‌هذا هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود. فرزند او باقی‌مانده نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادامی که حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعدی نخواهد رسید و همچنین است در مورد عبارت «طبقاً بعد طبقه»^۱.

ج) مفاد قرارداد ساکت یا ناقص است

قرارداد ناقص همانند قانون ناقص است و بحث بر سر این مطلب است که در مقام بروز اختلاف فی‌مابین تنظیم‌کنندگان قرارداد ناقص، تکلیف مراجع قضایی چیست و قرارداد را باید چگونه و به چه طریقی تفسیر کنند تا به مقصود واقعی طرفین دست یابند. در این صورت دادرس باید با تجسس در مجموع مفاد قرارداد و اوضاع و شروط بنایی، قصد طرفین را احراز و با برطرف کردن نقص قرارداد فصل خصومت کرده و به اختلاف حاصله فیصله بدهد و مثلاً اگر طرفین نسبت به اصل بیع با همدیگر توافق کرده باشند ولی سایر شرایط اعم از زمان و مکان تسلیم مبیع و تأدیه ثمن و امثال آن را ذکر نکرده باشند، در این صورت مقررات مذکور حاکم بر قرارداد بیع خواهد بود. در این مورد نیز ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده

۱. آرشیو حقوق کیهان، مجموعه رویه قضایی، آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور، از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲ قسمت دوم (مدنی) چاپ ۱۳۵۲، ص ۵۸۳، کاتوزیان، دکتر ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۳۲، سال ۱۳۶۸.

است ملزم می‌کند بلکه متعاملین به کلیه نتایجی که هم به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند». و یا اینکه ماده ۲۲۵ قانون مذکور می‌گوید:

«متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است». به نظر می‌رسد ماده مذکور از ماده ۱۱۶ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است.

در حقوق مصر و در بند اول ماده ۱۵۱ قانون مدنی کشور مذکور پیش‌بینی شده است که در موارد مشکوک و قرارداد مبهم باید به نفع و مصلحت متعهد و مدیون تفسیر شود مثلاً اگر در استمرار مدت تعهد شک شود باید مدت را با تفسیر قرارداد مضیق و محدود کرد زیرا اصل بر برائت است و تعهد امری استثنایی می‌باشد و در استثنا نباید قائل به تفسیر موسع شد و اگر متعهدله نتواند تعهد مستمر طولانی را اثبات کند، تفسیر مضیق قدر متیقن خواهد بود.^۱

د: تفسیر قراردادهای الحاقی

از آنجایی که در قراردادهای الحاقی نظیر قرارداد بیمه و کار در مؤسسات بزرگ و حمل و نقل هوایی و دریایی، تنظیم‌کننده قرارداد حتی‌الامکان سعی کرده است که کلیه امتیازات و یا حداکثر امتیازات را برای خود نگه‌دارد و مشتری همواره چاره‌ای جز قبول و امضاء قرارداد ندارد. علی‌هذا در صورت بروز شک و ابهام موضوع باید به نفع مشتری تفسیر شود. در بند ۲ ماده ۱۵۱ قانون مدنی مصر آمده است: در عقود الحاقی جایز نیست عبارت مبهم و غامض قرارداد را برخلاف مصلحت طرف دیگر قرارداد که قبلاً متن و مضمون قرارداد به او تحمیل گردیده است تفسیر کرد». زیرا تنظیم‌کننده قرارداد می‌توانسته است هرگونه تعهد

۱. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، اصول قراردادهای و تعهدات، ج ۲، ص ۲۹۳ نشر حقوق‌دان، سال ۱۳۷۹، (الوسیط) ج ۱، ص ۵۹۱.

التزامی را به طور واضح و روشن نوشته و به طرف مقابل تحمیل کند و اگر ابهامی به وجود آمده باشد در اثر خطا و تقصیر تنظیم کننده بوده است.^۱

بخش هفتم: روش احراز قصد طرفین

پیش از این گفتیم که مبنای تشکیل هر قراردادی اراده طرفین و قصد و اراده انشایی آنان است و تلاش دادگاه نیز همواره بر آن است که از قصد و نیت و اراده واقعی طرفین قرارداد مطلع شود. در مورد نحوه احراز قصد حقیقی طرفین نیز روشهای گوناگونی ارائه شده است که نظریه حاکمیت اراده باطنی و حاکمیت اراده ظاهری (اراده اعلام شده) دو نظریه اساسی از دیدگاه حقوق دانان به شمار می رود.

الف: نظریه حاکمیت اراده باطنی

براساس این نظریه، هر امری که انسان را به قصد واقعی برساند مورد قبول واقع خواهد شد و در این مورد فرقی بین الفاظ نوشته و اشاره و قرائن وجود ندارد و بنابراین محکمه در تفسیر قرارداد باید قصد واقعی طرفین را احراز کند. رأی وحدت رویه ۷۴۷۱ - ۱۶۱۵ - ۱۳۱۰/۱۲/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این مورد مقرر می دارد: «در تشخیص مقصود نباید فقط اقتضار به ظاهر بعضی الفاظ نمود بلکه مجموع تعبیرات و قرائن موجوده و جهاتی را که در فهم مراد مدخلیت دارد باید در نظر گرفت».

رأی شماره ۳/۸۰۹/۷۲ شعبه سوم دیوان عالی کشور نیز می گوید: «در تشخیص ماهیت حقوقی قرارداد دادرس بایست خواسته مشترک طرفین را پی جویی نماید. وسیله ای که در این زمینه در اختیار دارد مندرجات قرارداد، مصرحات متنی سند، الفاظی است که طرفین در تنظیم قرارداد به کار برده اند با حمل آن به معنای عرفی و نهایتاً دآوری عرف و اوضاع و

۱. کاتوزیان، دکتر ناصر، *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*، ج ۳، آثار قرارداد، ناشر بهنشر، ص ۲۹، سال ۱۳۶۸، شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات*، ج ۲، ص ۲۹۳، نشر حقوق دان سال ۱۳۷۹.

احوال قضیه است».^۱

ماده ۱۵۷ قانون مدنی آلمان و ماده ۱۸ قانون تعهدات سوئیس نیز حاکمیت اراده ظاهری را پذیرفته‌اند. قانون مدنی فرانسه نیز از نظریه اراده باطنی تبعیت کرده و بر اصل حاکمیت اراده در قراردادها تأکید دارد و برای الفاظ در مقابل اراده طرفین ارزش زیادی قائل نشده و الفاظ را وسیله‌ای برای بیان اراده و قصد طرفین می‌داند و تصریح کرده است که در قراردادها باید قصد مشترک طرفین احراز شود و بر همین اساس ماده ۱۱۶۳ قانون مدنی تصریح کرده است که قراردادها با وجود عبارات عام و کلی فقط متضمن چیزهایی است که طرفین قرارداد ظاهراً می‌خواسته‌اند نسبت به آن قرارداد منعقد کنند و ماده ۱۱۶۴ همان قانون پیش‌بینی کرده است اگر طرفین قرارداد به منظور توضیح تعهد موردی را ذکر کنند، این به معنی محدود کردن تعهد نسبت بدان مورد نیست. با این حال قانون مدنی فرانسه به منظور جلوگیری از سوءاستفاده در موارد ۱۳۲۱ و ۱۳۴۱ - این ادعا را که اراده حقیقی با اعلام اراده کتبی متفاوت است موجه نمی‌داند و اگر طرفین ظاهراً برخلاف اراده حقیقی خود عقدی منعقد کنند اثبات اینکه اراده حقیقی آنان با مندرجات عقد تفاوت دارد علیه اشخاص ثالث معتبر نیست و قانونگذار به منظور حمایت از اشخاص ثالث اراده ظاهری را ملاک عمل قرار داده است.^۲

ولی امروزه رویه قضایی فرانسه تلفیقی از هر دو نظریه اراده باطنی و ظاهری است و در حقوق ایران نیز در مواردی اراده باطنی پذیرفته شده است و به عنوان نمونه می‌توان به ماده ۴۶۳ قانون مدنی اشاره کرد که می‌گوید: «اگر در بیع معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است احکام بیع در آن مجری نخواهد بود». در فقه امامیه نیز با توجه به قاعده

۱. بروجردی عبده، محمد، اصول قضایی قسمت حقوقی آراء دیوان تمیز از سال ۱۳۱۰ تا اسفند

۱۳۱۰ - چاپ مطبعه ایران - تهران ۷ ص ۱۱۵.

۲. صاحبی، مهدی، تفسیر قراردادها در حقوق خصوصی، ناشر ققنوس، ص ۶۹، شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات، ج ۲، ص ۳۹، نشر حقوق دان سال ۱۳۷۹.

فقهی «العقود تابعة للقصد» و یا در «الاعمال بالنیات» به اراده باطنی اشخاص توجه شده است. در روایات آمده است که از امام صادق (ع) در مورد مردی که همسرش مالی را به او داده بود که در راهی که موردنظر او می‌باشد مصرف کند سؤال شد امام فرمودند: مرد حق ندارد با آن پول کنیزی خریداری نموده و با او هم‌بستر شود، زیرا در نیت و اراده همسر (زوجه) عملی که او را ناراحت کند نبوده است.^۱

و در موردی دیگر شخصی خدمت امام علی (ع) رفت و اظهار داشت که از فردی طلبکار هستیم و او برای من هدیه آورده است. امام فرمودند: «که آن را جزئی از طلب خود حساب کن». ملاحظه می‌شود که در موارد مذکور به قصد و نیت واقعی توجه شده است با وجود این در بعضی روایات نیز نظیر «انما یحلل الکلام و یحرم الکلام» قصد فاقد نقش اساسی بوده و قصد باطن طرفین نیز عنصر اصلی قرارداد به شمار نمی‌رود.^۲

ب: نظریه حاکمیت اراده ظاهری

طرفداران این نظریه عقیده دارند وقتی که قرارداد واضح است و چیزی پوشیده و مبهم ندارد و می‌توان بدین طریق قصد واقعی طرفین را احراز کرد دیگر نیازی به تفسیر و احراز قصد و اراده باطن وجود ندارد و بهترین راه برای بیان اراده باطنی نیز همان عبارت واضح مورد توافق طرفین است و قاضی نیز نباید در مقام تفسیر قرارداد برآید و از معنی ظاهری الفاظ و عبارات منحرف شود.

در رأی ۱۴۵۵ - ۳۱ - ۶ - ۱۸ شعبه ۳ دیوان عالی کشور چنین آمده است:

«در دعوی ناشی از قرارداد به مفاد صریح سند نباید معنای دیگری داد»^۳

۱. قنوتی، جلیل، وحدتی شبیری، سیدحسن، عبدی‌پور، ابراهیم، زیرنظر محقق داماد، دکتر سیدمصطفی، *حقوق قراردادها در فقه امامیه*، ج ۱، ص ۲۷۴ - ۲۵۱.
۲. شاپیرا، ژان، *حقوق بین‌الملل بازرگانی*، ترجمه اسکینی، دکتر ربیعا، ناشر انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۶، (مصادر الحق فی فقه الاسلامی)، ج ۶، ص ۷ و ۶.
۳. صبری، خلیل، *روثس دادرسی، آراء دیوان کشور از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۳۴*، چاپ ۱۳۲۵، ص ۱۱.

ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی انقلاب در امور مدنی (مصوب فروردین سال ۱۳۷۹) نیز چنین آمده است: «در مواردی که دعوی ناشی از قرارداد باشد چنانچه به مفاد صریح سند یا قانون یا آیین نامه مربوط به آن قرارداد معنای دیگری غیر از معنای مورد نظر دادگاه صادرکننده رأی داده شود، رأی صادره در آن خصوص نقض می شود».

ماده ۵۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نیز صراحت بیشتری داشت و چنین مقرر نموده بود که: «اگر در دعوایی که از قرارداد ناشی شده به مفاد صریح سند و یا به قانون و آیین نامه مطلق به آن معنای دیگری داده شود حکم یا قرار صادره در آن خصوص نقض می شود».^۱

در حقوق آمریکا به طور کلی حق تفسیر عبارات واضح را از قاضی سلب کرده اند، مگر آنکه دلیل محکمی وجود داشته باشد که حکایت از فهم و درک دیگری از کلمات داشته باشد.^۲

طرفداران این نظریه معتقدند که اراده طرفین قرارداد که به صورت نوشته درآمده است باید محترم شمرده شود و مقامات عمومی و محاکم حق ندارند آثار قرارداد تعهدات طرفین را تغییر بدهند و دادرس نیز نمی تواند در قرارداد طرفین تجدیدنظر نماید.

در فقه اسلامی نیز همان طوری که اشاره شد هرچند قاعده فقهی «العقود تابعة للقصود» تحقق عقد و نوع و آثار آن تابع اراده طرفین است و به قصد و اراده باطنی نیز توجه شده است. به استناد آیه «تجارة عن تراضی» و اینکه شارع مقدس اماراتی را برای کشف تراضی طرفین تعیین کرده که عبارت از همان صیغه های عقود است و وسیله اعلام اراده است. از

۱. همان.

۲. صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۲، تعهدات و قراردادها، ناشر مؤسسه عالی حسابداری، چاپ اول، ۱۳۵۱، ص ۵۱.

فقه‌های اهل سنت نیز شافعی طرفدار اراده‌ی ظاهری است. فقهای حنفی نیز اراده‌ی ظاهری را به اراده‌ی باطنی ترجیح داده‌اند و در طلاق و سوگند و مهر در نکاح به الفاظ اعتبار داده است. بدیهی است که عقد صوری که بدون قصد انشاء بوده به ظاهر عقد محسوب می‌شود. مقوله جداگانه‌ای است و نمی‌توان در چنین عقدی به ظاهر الفاظ و عبارات تمسک جست. ولی در انواع تفسیر قراردادها، همواره حسن نیت، انصاف و عدالت و عرف مسلم و مرسوم و رویه قضایی و اوضاع و احوال زمان تنظیم قرارداد تأثیر انکارناپذیری دارد.

ادامه دارد

